

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

لیبرالیسم

شناسنامه مطلب	
b-270-3	کد مطلب
بصیرتی / مباحث آموزشی / گام اول: اطلاعات سیاسی / مقدماتی	رده
بصیرت، سیاسی، اصطلاحات، لیبرالیسم، دموکراسی، آزادی، لیبرالیسم، آزادی، فردگرایی، سکولاریسم، اومانیزم، کاپیتالیسم، عقل گرایی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

لیبرالیسم در لغت:

واژه لیبرالیسم به (Liberalism) معنای آزادی خواهی، از واژه انگلیسی لیبرتی (Liberty) به معنای آزادی گرفته شده است. واژه لیبرال (Liberal) یک واژه فرانسوی، به معنای فرد آزادی خواه یا هوادار آزادی است. و در لغت به معنای آزاد مرد، بلندنظر، راد، بخشنده، بی تعصب و روشن فکر نیز آمده است. واژه لیبرال در قرون وسطا و عصر رنسانس به معنای صناعت‌های آزاد به کار رفته، اما بعدها به معنای آدم هرزه، ولنگار و عیاش نیز استعمال گشته است. و در قرن بیستم در برخی کشورها به طرفداران سرمایه داری، ضد حکومت، غرب زده، آمریکایی و غیر این موارد لیبرالیسم گفته می شود.^۱

تعریف لیبرالیسم:

ارائه تعریف دقیق و جامع از لیبرالیسم به عنوان یک مکتب سیاسی و اجتماعی کاری بس دشوار، بلکه ناممکن است؛ اما با این حال، تعریف‌های متعددی از سوی نظریه پردازان غربی بر این موضوع ارائه شده است^۲، از جمله: شاپیرو می گوید: «لیبرالیسم را می توان به طور دقیق نگرشی به زندگی و مسائل آن وصف کرد که تأکیدش بر ارزشهایی همچون آزادی برای افراد، اقلیتها و ملتهاست.»^۳

گونه های لیبرالیسم^۴

در یک نگاه کلی به پنج گونه تقسیم می شود:

(۱) لیبرالیسم فرهنگی:

۱ - ر.ک: لیبرالیسم، معنا و تاریخ آن، جان سالوین شاپیرو، ترجمه محمد سعید حنایی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۰، ص ۹ و ۱۰، از یادداشت مترجم، و فرهنگ انگلیسی به فارسی حییم، ذیل واژه "Liberalism"

۲ - ر.ک: ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، آنتونی آر بلاستر، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۷ - ۱۴

۳ - لیبرالیسم، معنا و تاریخ آن، ص ۳

۴ - جهت مطالعه بیشتر در این باره به کتابهای: ظهور و سقوط لیبرالیسم در غرب، درآمدی بر مکاتب و اندیشه های معاصر، کتاب نقد شماره ۱۱ و لیبرالیسم و منتقدان آن (مایکل ساندل، ترجمه احمد تدین، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۴) مراجعه شود.

یعنی جانب داری از آزادیهای فردی و اجتماعی - مثل آزادی اندیشه و بیان - و گسترش فرصتهای آزادی و انعطاف پذیری اخلاقی و غیره.

(۲) لیبرالیسم دینی:

به این معنا که اصولاً دین امری شخصی است و باورهای دینی احساس درونی و غایب از حواس انسان نیست، بلکه تجربه دینی مانند تجربه های حسی از احساس زنده و غیر غایب حکایت دارد. و حقایق دینی با هیچ مقطع تاریخی و فرهنگی خاصی گره نخورده است.

(۳) لیبرالیسم اخلاقی:

از آنجا که در لیبرالیسم هیچ قانون کلی اخلاقی وجود ندارد، لذا معیار تشخیص دهنده خوب و بد، خود انسان است. بنابراین، امیال ظاهری افراد همان امیال واقعی آنها است و باید مورد احترام قرار گیرد؛ یعنی لیبرالیسم اخلاقی، اعتقاد به یک آیین تساهل گرا، انعطاف پذیر و اباحی مسلک در آموزه های اخلاقی است.

(۴) لیبرالیسم اقتصادی:

یعنی حفظ آزادی اقتصادی و دفاع از حریم مالکیت خصوصی و سرمایه داری، و دخالت حداقلی دولت بر فعالیتهای اقتصادی افراد، یا عدم دخالت دولت و هر عامل خارجی در اقتصاد افراد.

(۵) لیبرالیسم سیاسی:

بر اساس لیبرالیسم سیاسی، باورها و اعتقادات هر کس در حوزه فردی و شخصی محترم است. دولت باید زمینه را فراهم کند که هر شخص بتواند برای انجام مراسم مذهبی خود آزادی عمل داشته باشد.

البته گونه‌های دیگری از لیبرالیسم نیز مطرح است که در ذیل به طور اختصار به آنها اشاره می‌کنیم:

الف. لیبرالیسم کلاسیک:

این معنا به دنبال تثبیت و پیروزی لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی، به عنوان کامل‌کننده آن تدوین و تکوین یافت. لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی، آزادی فرد را در حوزه حیات سیاسی و اقتصادی به ارمغان آورد، مجموعه این دو، لیبرالیسم نسل اولیه است که به آن «لیبرالیسم کلاسیک» می‌گویند.

ب. لیبرالیسم دموکراسی:

عده‌ای از اندیشمندان لیبرالیستی برای تعدیل و بازنگری در لیبرالیسم افراطی اولیه، معتقد به افزایش فعالیت و دخالت دولت برای رفع نارسایی‌ها شدند. به عقیده این گروه، آزادیهای بی‌مرز و حد اقتصادی، امید و آرمانهای اولیه را برنیاورد؛ لذا به این نتیجه رسیدند که دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی لازم است. بدین ترتیب، کاستن از آزادیهای اقتصادی لیبرالی را ضروری دانستند.

ج. نئولیبرالیسم:

در اواخر قرن بیستم، با افول دولتهای رفاهی و گرایش به سیاستهای لیبرالیسم اقتصادی، ناسازگارهای لیبرالیسم با دموکراسی بارزتر شد. امروزه موج تازه‌ای از اندیشه‌های لیبرالیستی تحت عنوان نئولیبرالیسم به وجود آمده است. این گرایش - دوباره مانند گذشته - بر این باور است که اصول لیبرالیسم از سرمایه‌داری انفکاک پذیر نیست، و اقتصاد بازار آزاد، لازمه آزادی است. در این نگاه، دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی مغایر با اصول لیبرالیسم و کاری بی‌حاصل تلقی شده است. بدین ترتیب، بازگشت به اصول اولیه لیبرالیسم ضروری قلمداد شده است.

اصول و مبانی لیبرالیسم

مهم‌ترین آنها به عبارت زیر می‌باشند:

(۱) فردگرایی (اصالت فرد)

فردگرایی جوهره و رکن بسیار مهم لیبرالیسم است. فردگرایی، یعنی فرد و حقوق او بر همه چیز مقدم است. اگر دولت هم تشکیل شده است، باید در خدمت خواسته‌های افراد جامعه باشد. دین، اخلاق، متفکران و... حق ندارند به افراد دستور دهند و مهم فرد و خواسته‌های او است.

(۲) اصالت آزادی

یعنی آزادی فوق همه ارزشهاست. بر اساس این اصل، انسان هر خواسته‌ای که دارد، اعم از بی بند و باری جنسی و خلاف دین و اخلاق و غیره، باید آنها را محترم شمرد و به او آزادی داد، و ایجاد هرگونه مانع در این راه جایز نیست! به بیان دیگر، هیچ چیز در برابر خواسته‌های من مهم نیست. مهم آن است که من می‌خواهم. تنها حد آزادی در نظر لیبرالها آزادی افراد دیگر است. بنابراین، اگر خواست طرف شما موافق با میل و خواست شما باشد، هر رفتاری مجاز است!

(۳) انسان‌مداری (امانیسم)

یعنی باید تمام چیزها - حتی اخلاق و دین - بر اساس تمایلات و نیازهای انسان توجیه شود. انسان نباید خود را با دین و اخلاق هماهنگ سازد، بلکه دین و اخلاق باید خود را با او هماهنگ سازند!

(۴) سکولاریسم

یعنی تفکیک دین از امور زندگی. بر اساس این دیدگاه، دین باید به حاشیه رانده شود. دین حق ندارد در مسائل مهم زندگی دخالت کند.

(۵) سرمایه داری (کاپیتالیسم)

لیبرالیسم به گونه ای با سرمایه داری و اقتصاد بازار آمیخته شده که بسیاری از متفکران به ویژه چپ گرایان معتقدند که لیبرالیسم ایدئولوژی سرمایه داری است.

(۶) عقل گرایی

یعنی باور به کفایت و بسندگی خرد انسانی. در این تفکر، همه انسانها از نیروی خرد بهره مند هستند. خردمندی و آزادی دو جزء جدایی ناپذیر محسوب می شود. نفی خرد ورزی آدمی مترادف با نفی آزادی اوست.

و نیز تجربه گرایی، علم گرایی، سنت ستیزی، تجددگرایی، پلورالیسم معرفتی، پیشرفت باوری و تسامح و تساهل، از جمله اصول لیبرالیسم محسوب می شوند.

بیانات امامین انقلاب در مورد لیبرالیسم:

(۱) امام خمینی (ره):

«من امروز بعد از ۱۰ سال از پیروی انقلاب اسلامی، همچون گذشته اعتراف می کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست ها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به انقلاب ناب محمدی نداشته اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی رود. گر چه در آن موقع هم من شخصا مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تایید دوستان قبول نمودم و الان هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی آمریکای جهانخوار قناعت نمی کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند. امروز هیچ تاسفی نمی خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا از اول هم نبوده اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروهها و لیبرالها می خوریم.»^۱

۲) امام خامنه‌ای (حفظه الله تعالی):

«غرب لیبرال، یعنی آزادی خواه و آزادی گرا، لب از لب وانکرده! یک قطعنامه سازمان ملل، شورای امنیت منتشر کرد که جزو ننگ‌آمیزترین قطعنامه‌های سازمان ملل است که فراموش نمی‌شود. به جای اینکه بمباران کننده را محکوم کند، بمباران شونده را محکوم کرد! این‌ها لیبرال‌اند؛ لیبرالیسم یعنی این! حالا یک عده‌ای آدمهای ساده لوح داخلی خودمان، سینه چاک می‌کنند و مقاله می‌نویسند و عکس‌هایشان را چاپ می‌کنند در حمایت از این شیوه حکومتی و شیوه زمامداری و جامعه‌داری و مانند این‌ها، مبنی بر دروغ و فریب و خیانت و بی‌تفاوتی در مقابل ظلم و بلکه شرکت در ظلم.»^۱

«امروز خلأ بزرگ دنیای لیبرال دموکراسی غرب همین است. کارخانه‌ها را زیاد کردند، چرخهای گردنده را زیاد کردند، دامنه علم را گسترش دادند؛ اما عدالت اجتماعی را نتوانستند تأمین کنند. اخلاق انسانی به انحطاط کشیده شده؛ این حرفی نیست که من اینجا بگویم. مگر می‌شود در یک تریبون و منبر جهانی، که امروز این حرف‌ها در دنیا منعکس می‌شود، چیزی برخلاف آنچه که احساس مردم آن کشورهاست، بر زبان آورد؛ حرفی است که خودشان می‌زنند. امروز بحران اخلاقی گریبان‌گیر لیبرال دموکراسی غرب است. امروز بحران جنسی، بحران اقتصادی، بحران اخلاقی، بحران خانوادگی، گرفتاریهای همان کشورهایی است که از لحاظ علمی چشم تاریخ را خیره کردند از پیشرفتهای خودشان.»^۲

۱ - دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

۲ - دیدار مردم یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۲